



ترانه‌ها در بازی‌های نمایشی یزد

علی اکبر شریعتی

می‌گویند نواختن ساز اربونه ابتدا در بین زرتشتیان رایج بوده و اکنون، افراد آن را بیشتر در اعیاد ملی و در مواقعی که به زیارتگاه‌ها می‌روند، می‌نوازند.

زدن اربونه در بین راه خانه عروس و داماد با پرتاب کردن آن به سوی هم و چرخاندن اربونه با سر دست و انگشتان، به اصطلاح شیرین کاری و هنرنمایی می‌کردند که هدایایی از طرف خانواده عروس و داماد به آنها تقدیم می‌شد.

بعضی به چوب قسمت داخلی اربونه زنگ و زنگوله‌هایی (به اصطلاح محلی غر (qor)) نصب می‌کنند که به زیبایی ظاهری و صدای خوش آن افزوده می‌شود. در گذشته اربونه را از پوست آهو درست می‌کردند و اکنون با پوست بز و میش. هر چه پوست نازک‌تر و صاف‌تر باشد، طنین نوای اربونه بیشتر و خوش‌آهنگ‌تر است.

بازی‌ها و نمایش‌هایی به صورت جمعی (که بیشترین جمعیت را در جشن عروسی دارد) از گذشته‌های دور در جشن و سرور در بین مردم یزد و آبادی‌های اطراف اجرا می‌شده که ساز این بازی نمایشی، دایره یا به قول مردم آنجا «اربونه» (arabune) است.

اربونه

اربونه سازی است کوبه‌ای و ساده که در مناطق دیگر به آن «دایره زنگی» و «دف» می‌گویند که در اندازه و استفاده با هم متفاوت هستند. اربونه بیشتر در مجالس عروسی، ختنه‌سوران، جشن تولد و روز مولودی استفاده می‌شود.

می‌گویند نواختن ساز اربونه ابتدا در بین زرتشتیان رایج بوده و اکنون، افراد آن را بیشتر در اعیاد ملی و در مواقعی که به زیارتگاه‌ها می‌روند، می‌نوازند.

در قدیم لوطی‌های یزدی (به‌ویژه در روستاها) با نواختن اربونه در مقاطعی از مجالس عروسی چون «بردن عاروس» به خانه داماد حاضر می‌شدند و ضمن نواختن و



ریتم‌ها و ملودی‌هایی مثل تلنگیوت

(عاروس کشونی)، دم دم، مجسمه (حلاجی) زودباش درواکن، بلبل باغشاه و... را با اربونه می‌زنند.

خواننده نمایش که باید در مجلس گردانی و گرم کردن جشن مهارتی داشته باشد، با حرکات مناسب در وسط جمعیت حاضر در نمایش قرار می‌گیرد و با آهنگ خاص اربونه می‌خواند و بقیه هم با همان آهنگ، دسته‌جمعی جواب می‌دهند.

از ترانه‌های معروف می‌توان، ترانه بیبزم یا نببزم، گندم گل گندم، السلام علیک یا آسیابونه، یار حریرم، لیلی، ارباب خلاصم کن، شهربانو، گوهری، فلفل و زیره و رازیونه و... را نام برد.

ترانه «ارباب خلاصم کن»^۱

ارباب خلاصم کن

منا^۲ اره و داسم کن

کمتر کج و راسم کن

چولی و قناسم^۳ کن

ارباب خلاصم کن

«یا ارده با تاسم کن یا بگش خلاصم کن»

۱. برای نشان دادن ظلم ارباب و خان در قدیم

۲. مرا

۳. چلاق، کج و کوله

[مخصوص جمعیت که این بند را با هم می خوانند]

صبح تا شوم درو کردم

تل گندم و جو کردم

گشنه روزا شو کردم

دعوت نون و ماسم کن

ارباب خلاصم کن

«یا ارده با تاسم کن یا بکش خلاصم کن»

تو مزرع و او داری^۱

صد تا پته جو داری

گوشت و نون شو داری

یک گوشه پلاسم کن

ارباب خلاصم کن

«یا ارده با تاسم کن یا بکش خلاصم کن»

هی راس شم و هی تاشم

هی بی شینم و هی پاشم

باز بگو که کلاشم هی پرت حواسم کن

ارباب خلاصم کن

«یا ارده با تاسم کن یا بکش خلاصم کن»

ترانه «ببیزم یا نبیزم»

ببیزم یا نبیزم

که گل بالاش می ریزم

سر چشمه می ببیزم

که دستم چلاقه

چطور ببیزم

که پاهام کوپوله

۱. مزرعه و آب داری

چطور گریزم

سر کدخدا می ببیزم

[اشاره به بزرگ و کدخدای مجلس]

ببیزم یا نبیزم

که نرمه اش کجا ریزم

که سفتاش کجا ریزم

که غربالم میدی این جوری می ببیزم

سر حمومی می ببیزم

[اشاره با استاد حمامی]

ببیزم یا نبیزم

که همسایه ها میگن، سنگین ببیزم

که کدخدا می گه آرم ببیزم

اصغرک می گه این وری ببیزم

سر عزتک^۲ می ریزم

ببیزم یا نبیزم

که ریزه می ببیزم و درشت می ببیزم

توی کیسه می ریزم

سر دوماذ می ریزم

سر عاروس می ریزم

سر ماما چه می ریزم

ببیزم یا نبیزم

حالا می بینی چطور می ببیزم

بدونین از همه بهتر می ببیزم

شیطونه می گه اینجوری ببیزم

هر طوری می خوام

خودم می ببیزم

۲. نام یک زن

ببیزم یا نبیزم
اوسا کوچیکم گفته سر اینها ببیزم
سر همه تون می ریزم
سر بقال می ریزم
سر عطار می ریزم
سر قصاب می ریزم
سر همه تون می ریزم
ببیزم یا نبیزم تا نبیزم...

خواننده در بخش پایانی با لحنی تند و چهره‌ای درهم و کمی عصبانی بدون آهنگ و به صورت رجز می‌گوید: «سر اربابا نمی‌ریزم که نمی‌ریزم که نمی‌ریزم» و صحنه را با خنده ترک می‌کند.
جمعیت با سر و صدا ادامه اجرا را طلب می‌کنند و او را مجدداً به وسط می‌آورند تا بار دیگر برای آنها بخواند.

راوی:

کاظم ثابتی اشرف، ۱۳۳۶/۸/۳

